

انتظارات اجتماعی یک انتخاب متفاوت

اگر پزشک‌ها انتخاب نمی‌شد، مسأله امروز ایران چگونه صورت‌بندی می‌شد؟



هادی خانیکی

[جامعه‌شناس]

● مقدمه:

انتخابات زودرس ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ در ایران در شرایطی برگزار شد که جامعه در وضعیتی خطرناک و پیچیده قرار داشت. تنگناهای انباشته و حتی بحران‌های انباشته و درهم‌تنیده در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی، همزمان با فرسایش سرمایه اجتماعی، آینده را به گونه‌ای مبهم و نگران‌کننده پیش روی مردم و نخبگان قرار داده بود. جامعه ایران در آستانه انتخابی دشوار و سرنوشت‌ساز بود؛ یا باید در برابر روند فرساینده بی‌اعتمادی و انفعال اجتماعی تسلیم می‌شد یا کورسوی امیدی تازه، هرچند شکننده، برمی‌افروخت.

در این بزمگاه، حضور و پیروزی دکتر مسعود پزشک‌ها معنایی فراتر از یک جابه‌جایی رسمی پیدا کرد و به منزله پذیرش نسبی یک تغییر و انتخابی متفاوت تفسیر شد. پرسش متناظر این است: اگر پزشک‌ها از دایره تأیید صلاحیت نمی‌گذشت یا انتخاب نمی‌شد، مسأله امروز ایران چگونه صورت‌بندی می‌شد؟ این نوشته کوتاه می‌کوشد به این پرسش بپردازد و از خلال آن، اهمیت انتخاب و نقش پزشک‌ها را در شش زمینه توضیح دهد:

- ۱- وضعیت جامعه ایران در آستانه انتخابات،
- ۲- سرمایه اجتماعی، ناترازی‌ها و وضعیت خطیر ایران،
- ۳- وفاق اجتماعی و ضرورت آن،
- ۴- سایه جنگ و تجاوز ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا به ایران و آثار اجتماعی آن،

- ۵- وضعیت کنونی و امکان تحقق وعده‌ها و انتظارات اجتماعی
- ۶- رویکردهای گفتمان پزشک‌ها و اهمیت پیشبرد آن در دولت برای امروز و آینده ایران

● بخش اول: جامعه ایران در آستانه انتخابات

انتخابات ۱۴۰۳ ریاست‌جمهوری ناگهان و در امتداد فضای انتخاباتی برآمده از مشارکت سیاسی محدود برگزار شد. جامعه با تنگناها و بحران‌های انباشته منابع مادی و معنوی توسعه پایدار و همه‌جانبه در حوزه‌های معیشت و رفاه مردم و آینده ایران روبه‌رو بود.

نارضایتی‌ها در آن مقطع تنها اقتصادی نبود، بلکه وجه اجتماعی و اخلاقی نیز داشت. برخی از شهروندان، سیاست‌گذاری‌ها را ناعادلانه و تبعیض‌آمیز می‌دانستند؛ بویژه در حوزه‌های اشتغال و آموزش و بهداشت که به‌طور مستقیم با زندگی روزمره آنان پیوند دارد. همین تجربه زیسته، نیاز به تغییر و پذیرش تفاوت در سبک زندگی و به رسمیت شناختن حقوق اساسی شهروندان را به یک مطالبه عمومی تبدیل کرده بود.

انتظار مردم از انتخابات، بازگشت به عدالت و توجه واقعی به معیشت و حقوق ملت بود. انتخاب پزشک‌ها، برای بخش بزرگی از جامعه اعم از آنکه رأی‌دادند یا ندادند، پاسخی ممکن به این انتظار متراکم بود.

اگر پزشک‌ها نیامده بود، اکثریت جامعه به این نتیجه می‌رسید که حتی صندوق رأی نیز دیگر توان بازگرداندن عدالت و پاسخگویی به ضرورت تغییر و اصلاح رویکردها را ندارد. در چنین شرایطی، نه تنها مشارکت سیاسی، بلکه حتی همان سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و میانی و کلان بیشتر فرسوده می‌شد.

● بخش دوم: سرمایه اجتماعی، ناترازی‌ها و اکنون خطیر ایران

سرمایه اجتماعی مهم‌ترین پشتوانه هر جامعه برای عبور از بحران‌هاست. در ایران، این سرمایه به دلایل مختلف (از سیاست‌های ناکارآمد گرفته تا ضعف اعتماد میان دولت و جامعه) به شدت آسیب دیده است.

از سوی دیگر، ناترازی‌ها کشور را در موقعیت خطیری قرار داده‌اند:

- ناترازی اقتصادی میان منابع محدود و نیازهای فزاینده مردم؛
- ناترازی سیاسی میان مطالبات اجتماعی انباشته شده در سطوح مختلف

● ناترازی فرهنگی میان سبک‌های زندگی و ارزش‌های رسمی

● ناترازی ارتباطی میان زبان جامعه و زبان حکمرانی.

این ناترازی‌ها، ایران را وارد مرحله‌ای کرده‌اند که می‌توان از آن به عنوان «اکنون خطرناک ایران» یاد کرد؛ لحظه‌ای که در آن تصمیم‌های بموقع می‌توانند افق‌گشایی کنند و گرفتار ماندن در تله تصلب و چرخه‌های معیوب می‌توانند فرصت سوزی کنند.

اما برای عبور از این اکنون خطرناک، تنها مدیریت بحران‌ها کافی نیست؛ بلکه باید فرصت‌های تازه کشف یا خلق شود. افق‌گشایی برای ایران و برای همه ایرانیان، ضرورت حیاتی است. پزشک‌ها با زبان ساده و منش اعتمادساز خود، دست‌کم این پیام را منتقل کرد که امکان باز کردن راه‌های تازه وجود دارد.

اگر پزشک‌ها نیامده بود، چرخه فرسایش سرمایه اجتماعی شتاب می‌گرفت و افق آینده بیش از پیش مسدود می‌شد. در غیاب او، و در دایره رقابت‌های محدود و موجود نه نشانی از کشف فرصت تازه بود و نه امیدی به افق‌گشایی.

● بخش سوم: وفاق اجتماعی و ضرورت آن

وفاق اجتماعی برای جامعه ایران یک ضرورت استراتژیک است. ایران، جامعه‌ای متکثر است با قومیت‌ها، مذاهب، طبقات اجتماعی و سبک‌های زندگی متنوع. بدون وفاق، این تکثر به تضادها و ستیزه‌های ویرانگر بدل می‌شود.

پزشک‌ها از همان آغاز ریاست‌جمهوری کوشید با تعریف دولت خود به عنوان دولت وفاق ملی زبان همدلی و همکاری را زنده کند. او در سخنان خود بیش از هر چیز بر «پرهیز از دعوا» در اداره کشور تأکید کرد و حتی به رقیبان سیاسی خود امتیاز داد. در کنار آن به اصرار بر عملیاتی کردن عدالت در آموزش و بهداشت پرداخت، از رفع تبعیض علیه اقوام و زنان سخن راند، و ضرورت تنش‌زدایی از همسایگان و همکاری با آنان را به رویکردی فعال تبدیل کرد. اینها همه ستون‌هایی از یک وفاق اجتماعی مؤثر هستند، گرچه نیاز جدی به وفاق با جریان‌های بیرون افتاده از نگاه و نظم رسمی نیز دارند تا اکنون بیشتر در سایه وجه اول آن مانده است.

اما همین مسیر پیموده شده هم با سختی‌های مختلف روبه‌رو بوده است. کامیابی‌های پزشک‌ها در وفاق بیشتر در سطح گفتار و نمادین بوده و او در این سطح، توانسته دست‌کم بخشی از جامعه را به عبور از دعوا و بازگشت به گفت‌وگو امیدوار کند. اما ناکامی‌ها نیز روشن است: نبود ابزارها و ساختارهای اجرایی مناسب، فشارهای سیاسی تندروهای محدود و مقاومت‌های نهادهای بوروکراتیک مانع شده‌اند که این گفتمان به سیاست‌های پایدار اجرایی تبدیل شود.

اگر پزشک‌ها نیامده بود، همین رویکرد و رفتار تقاهمی و حتی پنجره کوچک گشوده به سوی وفاق نیز بسته می‌ماند. جامعه بیشتر در چرخه قطبی‌سازی گرفتار می‌شد و خشونت‌های زبانی و نهادهای مجال بیشتری برای بروز پیدا می‌کرد.

● بخش چهارم: جنگ ۱۲ روزه و آثار اجتماعی آن

براساس گزارش‌های انتخابات، دکتر پزشک‌ها با تمرکز بر دور کردن سایه جنگ از ایران و کاهش تنش‌های منطقه‌ای وارد عرصه شد. اما فشارهای خارجی و رخدادها ناگهانی، شرایط را به گونه‌ای تغییر داد که اولین روز استقرار دولت او با ترور و شهادت اسماعیل هتیه رئیس دفتر سیاسی حماس همراه شد. این رخداد و وضعیت پس از آن نشان داد که حتی برنامه‌ریزی‌های دقیق و اولویت‌گذاری‌های منطقی، بدون در نظر گرفتن پیچیدگی‌های سیاسی و عوامل محیطی ناتمام می‌مانند.

تداوم و تشدید تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موجب غلبه فضای جنگی بر کشور و نهایتاً تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران شد. جنگ ۱۲ روزه جامعه و دولت را در وضعیتی خطرناک‌تر قرار داد. فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای به شهادت رسیدند و مراکز مهم آفندی و پدافندی و سیاسی و مسکونی کشور مورد هدف قرار گرفت. بیش از ۴۰ درصد جامعه به‌طور مستقیم متأثر از جنگ شدند و آثار غیرمستقیم آن هم سریعاً همه وجوه زندگی شهروندان ایرانی را فراگرفت. بزودی مشخص شد که فروپاشی نظام و تمامیت ارضی ایران هدف رژیم اسرائیل است و به این منظور تبدیل نارضایتی‌های اجتماعی به اعتراض



اگر
پزشک‌ها
نبود



برند
کلی

شهرت
هفته دولت
۱۴۰۴